

نقد کتاب «تراژدی سیاست قدرت‌های بزرگ»

حسین پوراحمدی میبیدی*

امیر عباسی خوشکار**

چکیده

در پژوهش پیش رو، نقد و ارزیابی کتاب تراژدی سیاست قدرت‌های بزرگ اثر جان جی مرشایمر در دو سطح نقد شکلی و نقد محتوایی انجام می‌شود. در سطح نقد شکلی، کتاب از لحاظ چاپ، صفحه‌آرایی و اغلاط چاپی در وضعیت مناسبی است و در سطح محتوایی کتاب با روش اثبات‌گرایانه و قبول مفروضات واقع‌گرایانه نوشته شده است. نادیده‌انگاشتن مولفه‌های اقتصادی و فرهنگی سازنده روابط بین‌الملل و بی‌توجهی نسبت به ورود سایر بازیگران غیردولتی به تعاملات بین‌المللی از جمله کاستی‌های محتوایی کتاب حاضر است. در نقد محتوایی با رویکرد اسلامی تعارضات اخلاقی، ارزشی و اعتقادی دیدگاه اسلامی به روابط بین‌الملل نسبت به کتاب مذکور از جمله انتقادات رویکرد مذکور به نظریه واقع‌گرایی تهاجمی می‌تواند باشد. حمایت از پژوهشگران داخلی و توسعه فضای علمی نظریه‌پردازی در دو بعد حمایت علمی و مالی از طرح‌های پژوهشی از جمله راهکارهای پیشنهادی برای رسیدن به نقطه مطلوب در نظریه‌پردازی بومی و اسلامی است.

کلیدواژه‌ها: تراژدی سیاست قدرت‌های بزرگ، مرشایمر، واقع‌گرایی تهاجمی، رویکرد اسلامی و بومی روابط بین‌الملل.

* استاد روابط بین‌الملل، دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران

h-pourahmadi@sbu.ac.ir

** دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل، دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)، khoshkar1392@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۵/۵، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۷/۱۰

۱. مقدمه

کتاب تراژدی سیاست قدرت‌های بزرگ به قلم جان جی مرشایمر (John J. Mearsheimer) از جمله مهمترین متون نظری کلاسیک در رشته روابط بین الملل و مطالعات منطقه‌ای است. در این کتاب مرشایمر مانند والتز در کتاب نظریه سیاست بین الملل به نظریه‌پردازی در قالب ارایه نظریه واقع‌گرایی تهاجمی اقدام نمود. نظریه واقع‌گرایی تهاجمی مرشایمر جزو نظریه‌های مهمی است که در قالب رویکرد واقع‌گرایی نسبت به تحولات نظام بین‌الملل ارایه شده است. نویسنده کتاب با توجه به نگاه واقع‌گرایانه و پذیرش اغلب مفروضات این رویکرد در دسته واقع‌گرایان برجسته و صاحب نظر طبقه بندی می‌شود. دو جلد کتاب "لابی اسرائیل و سیاست خارجی امریکا قدرت لابی صهیونیستی در امریکا" و "چرا سیاستمداران دروغ می‌گویند: حقایقی در باب دروغ در سیاست بین الملل" از مرشایمر به زبان فارسی ترجمه و چاپ شده اند که هر دو کتاب با نگاه ثابت و عینی‌گرایانه نسبت به منافع ملی که ریشه در رویکرد اثبات‌گرایانه و تجربی نویسنده دارد نوشته شده‌اند.

هدف از نگارش مقاله حاضر بررسی و نقد کتاب تراژدی سیاست قدرت‌های بزرگ است تا در سایه تبیین مولفه‌ها و استدلالات نویسنده اثر به نقد مطالب مطرح شده در کتاب و ارایه پیشنهادات نظری و کاربردی برای ارتقای دانش نظری روابط بین الملل در محیط دانشگاهی و نخبگی داخل کشور قدم کوتاهی برداریم. اهمیت پژوهش حاضر از ان جهت است که با تبیین اثر مرشایمر ضمن ارایه خوانشی دقیق تر از کتاب و نظریه واقع‌گرایی تهاجمی به ذخیره دانش انتقادی از نگرش‌های اثبات‌گرایانه و جریان اصلی (Main Stream) سهم اندکی را اضافه کنیم و بستر لازم را جهت شکل‌گیری نظریه بومی - اسلامی روابط بین الملل فراهم آوریم. نوشتار پیش رو همانند اثری پژوهشی دارای سوال، فرضیه و بخش‌های پژوهشی است. سوال مقاله این است که نقاط قوت و ضعف کتاب تراژدی سیاست قدرت‌های بزرگ جان مرشایمر کدام اند و چگونه نظریه و کتاب مذکور می‌تواند به نظریه‌پردازی بومی - اسلامی روابط بین الملل در ایران کمک کند؟ فرضیه مقاله برای پاسخ ابتدایی به سوال پژوهشی این است که به نظر می‌رسد نقطه قوت کتاب و نظریه واقع‌گرایی تهاجمی در انسجام نظری مبتنی بر پذیرش مفروضات کلان واقع‌گرایی و ضعف آن در حلاء‌های نظری با نگاهی برون‌پارادایمی و کاستی‌هایی در تبیین موارد تاریخی باشد و نظریه و کتاب مذکور می‌تواند در کنار نقدهای نظری و ارزشی که در قالب رویکرد

اسلامی به آن وارد آمده است الگویی موفق از نظریه ای منسجم، کاربردپذیر و تجربی در روابط بین‌الملل برای نظریه پردازی بومی - اسلامی باشد.

پژوهش پیش رو در سه بخش نگاشته شده است. در بخش اول در قالب عنوان بررسی و نقد شکلی به ارایه توضیحاتی از نقاط قوت شکلی و نقدهایی از ضعف‌های شکلی کتاب خواهیم پرداخت. در بخش دوم در ذیل بررسی و نقد محتوایی کتاب در قالب نقدهای نظری به واقع‌گرایی، نقد به انسجام فصول، نقد به انسجام نظری که به سه سطح نقد نظری، نقد تحویزی و نقد اسلامی به اثر مذکور صورت می‌گیرد اشاراتی خواهیم داشت و در بخش سوم راهکارها و پیشنهادات پژوهشی را برای گسترده‌تر و منظم‌تر کردن دانش بومی انتقادی و کاربردی روابط بین‌الملل به منظور تسهیل در ارایه نظریه‌ای جدید که با اصول اسلامی سنخیت داشته باشد نکاتی را عنوان خواهیم نمود.

۲. بررسی و نقد شکلی

کتاب تراژدی سیاست قدرت های بزرگ در ۵۹۲ صفحه با ترجمه غلامعلی چگنی‌زاده و توسط دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی از زمستان ۱۳۸۸ تا تابستان ۱۳۹۰ به چاپ سوم رسیده است. در طراحی جلد کتاب مهمترین نکته شکلی آن یعنی ارتباط تصاویر بر روی جلد و محتوا و عنوان کتاب رعایت نشده است و این اثر از این جهت دچار ضعف شکلی می‌باشد. در طراحی جلد کتاب نکته ای که همواره در نظر گرفته می‌شود این است که تصاویر و اشکال روی جلد بدون در نظر گرفتن عنوان کتاب می‌باید معرف محتوای کتاب باشد. در طراحی جلد اثر پژوهشی مورد بررسی جلد کتاب فاقد تصاویر و اشکال مرتبط با سیاست بین‌الملل است و بسیار ساده طراحی شده است. حروف نگاری و صفحه‌آرایی استاندارد است و با حداقل اشتباهات رایج در متون تخصصی چاپی انجام شده است. به دلیل تخصص مترجم در رشته روابط بین‌الملل ترجمه کتاب از لحاظ روان بودن و بهره‌گیری از اصطلاحات تخصصی از کیفیت و سطح بالای علمی برخوردار است. ارجاع به منابع و یادداشت‌های حاشیه ای از ویژگی‌های مثبت دیگر کتاب است. منابع به صورت دسته‌بندی شده و به ترتیب حروف الفبای انگلیسی در آخر کتاب به همراه یادداشت‌ها و توضیحات تکمیلی آورده شده است. تصاویر و جداول تفسیری و آماری برای توضیح بصری و خلاصه مطالب در برخی صفحات کتاب و به طور ویژه در آخر کتاب مورد استفاده قرار گرفته است.

کتاب در ده فصل تدوین شده است. شروع بحث از مختصات مفهومی و اصولی نظریه واقع‌گرایی تهاجمی است و در ادامه مباحث کتاب و با آغاز تاریخ بحث از انقلاب فرانسه به بعد نویسنده برای اثبات نظریه خود خوراک تاریخی فراوانی را تا بعد از فروپاشی شوروی و ظهور چین در شرق آسیا فراهم می‌آورد. کتاب در ابعاد شکلی و ظاهری از امتیازات قابل توجهی برخوردار است و در نقد و بیان ضعف آن می‌توان به سادگی طراحی جلد علازغم پیچیدگی محتوای مطالب اشاره نمود که ارتباطی میان محتوا و جلد کتاب مشاهده نمی‌شود.

۳. بررسی و نقد محتوایی

۱.۳ واقع‌گرایی و مدعای اصلی کتاب

مرشایمر به دلیل آنکه ابتدا نظامی بود و تحصیلات خود را از دانشگاه افسری وست پوینت آغاز نمود بیشتر به مباحث معطوف به جنگ و کشمکش‌های امنیت محور در عرصه بین‌المللی گرایش دارد. مرشایمر نظریه پردازی است که با نیم‌نگاهی به مفهوم نظام‌ها در روابط بین‌الملل بیشترین تأکید خود را بر وجه تهاجمی و توسعه طلبی و امنیت‌خواهی قدرت‌های بزرگ نهاده و به نقد نظریاتی می‌پردازد که دوران واقع‌گرایی را در روابط بین‌الملل پایان یافته می‌انگارند. مرشایمر از یک سو احیاگر سنت واقع‌گرایی در مطالعه سیاست بین‌الملل است و از سوی دیگر واقع‌گرایان کلاسیک و حتی نواقع‌گرایان را مورد نقد قرار می‌دهد. از دیدگاه او مناظره بین واقع‌گرایی و ارمان‌گرایی هنوز زنده است و آنچه‌ای.اچ کار در دهه ۱۹۳۰ بیان کرده به نوعی هنوز به قدرت خود باقی است. لذا می‌باید با حفظ عناصر اصلی نظریات کار پس‌مانده‌های ایده الیسم را که محصول سنت اکادمی آن روز انگلیس است از اندیشه زدود و نگرش واقع‌گرایانه را اصلاح کرد. (سلیمی، ۱۳۸۴: ۲۹) در میان گرایشهای نوین و گوناگون واقع‌گرایی دو نوع ان بیشتر مورد توجه واقع شده است. نخست واقع‌گرایی با منطق اقتصادی مدرن که نظریه‌پردازانی چون گیلپین، گروبر و اسنایدر نمایندگان اصلی آن هستند. این گروه از نظریه‌پردازان هم ادامه‌دهندگان نظریه والتز محسوب می‌شوند و هم به دلیل وابستگی به مباحث اقتصادی به نگرش‌های نولیبرالی نزدیک هستند. دوم واقع‌گرایی تهاجم جان مرشایمر است که از دیدگاه‌های کار و ادوارد گولیک تأثیر پذیرفته است.

از دید مرشایمر تفاوتی اساسی میان نظام‌های سیاسی و اقتصادی وجود دارد. زیرا در اقتصاد هدف تنها رقابت برای منفعت بیشتر است. اما در سیاست بقا مهم است و هراس از اینکه دیگران با پیش دستی امکان ادامه حیات را از شما بگیرند. (همان: ۳۱) در دیدگاه واقع‌گرایی تهاجمی موازنه قدرت مورد ادعای واقع‌گرایان تدافعی و والتزی برای کسب امنیت راه حلی مناسب نیست. به باور مرشایمر راه تضمین امنیت در احراز جایگاه هژمون است. یک قدرت بزرگ حتی زمانی که نسبت به رقبای خود به برتری نظامی قاطع دست یابد باز هم در جستجوی فرصت‌هایی برای کسب قدرت بیشتر است و این جستجوی قدرت تنها زمانی متوقف می‌شود که هژمونی حاصل شده باشد. (مرشایمر، ۱۳۹۰: ۳۹) جنگ و قدرت خواهی در میان دولت‌ها ریشه در ساختار نظام بین‌الملل دارد. علل اصلی جنگ در معماری نظام بین‌الملل نهفته است. آنچه از همه مهمتر است تعداد قدرت‌های بزرگ و میزان قدرتی است که هر یک در اختیار دارند. نسبت قدرت در میان کلیه قدرت‌های بزرگ چشم‌انداز ثبات را تحت تاثیر قرار می‌دهد. اگر در اینجا شکاف نامتعادل قدرت وجود داشته باشد کشور قدرتمند یک هژمون بالقوه است. (همان: ۳۵۸) در نظریه واقع‌گرایی تهاجمی مطرح شده در کتاب با قبول مفروضات واقع‌گرایی قدرت‌های بزرگ به دنبال چهار هدف هستند. ۱- تبدیل شدن به تنها هژمون منطقه ای جهان ۲- کنترل بیشترین درصد ممکن از ثروت جهان ۳- تسلط بر موازنه قوای زمینی در منطقه خود ۴- دستیابی به تفوق هسته‌ای (همان: ۱۶۴)

در نگرش واقع‌گرایان اثبات‌گرایی همچون مرشایمر مفروضات همچون قوانینی تکرار شونده و فرازمانی و فرامکانی هستند که در حصار زمان و مکان قرار نمی‌گیرند. این شق از تفکر در مدعای نویسنده کتاب مبنی بر پایدار بودن انارشی در دوره پساجنگ سرد دیده می‌شود. به باور نگارنده کتاب ساختار نظام بین‌الملل با کمک پنج فرضیه در مورد نحوه سازمان یافتگی جهان که ریشه در حقایق دارند تعریف می‌شود: ۱- دولت‌ها بازیگران اصلی در عرصه سیاست جهانی هستند و آنها در یک نظام انارشیک ایفای نقش می‌کنند. ۲- قدرت‌های بزرگ همگی دارای میزانی از قدرت نظامی تهاجمی‌اند. ۳- دولت‌ها هرگز نمی‌توانند در مورد اینکه آیا دول دیگر نسبت به آنها دارای نیات خصمانه هستند یا خیر اطمینان حاصل کنند. ۴- قدرت‌های بزرگ برای بقا اهمیت زیادی قایل‌اند. ۵- دولت‌ها بازیگران عقلایی هستند که می‌توانند استراتژی‌های موثر در به حداکثر رساندن شانس بقایشان را به خوبی طراحی کنند. به نظر می‌رسد که این خصلت‌های نظام بین‌الملل با آغاز

قرن ۲۱ هنوز دست نخورده باقی مانده اند. جهان هنوز از دولت‌هایی تشکیل شده که در یک جو انارشیک بسر می‌برند. نه سازمان ملل و نه هیچ سازمان بین‌المللی دیگری توانایی اعمال فشار بر این قدرت‌های بزرگ را ندارد. (همان: ۳۸۳)

مفروضات و اصول سازنده نظریه واقع‌گرایی توسط لیبرال‌های نهادگرا، مکتب انتقادی روابط بین‌الملل و پست‌مدرن‌ها مورد نقد قرار گرفته است. برداشت کارگزاران از ساختار نظام بین‌الملل، فرایند تصمیم‌گیری نخبگان و انتقال قدرت از مولفه‌های سخت به مولفه‌های نیمه سخت و نرم از جمله نقدهایی است که به دیدگاه واقع‌گرایان وارد آمده است که به صورت جزئی‌تر و با شرح بیشتر در ادامه به آنها خواهیم پرداخت. روش تبیین نویسنده کتاب اثبات‌گرایانه و علی است. به عنوان مثال در ابتدای کتاب در فصل پیش‌گفتار مرشایمر ادعا می‌کند که جهان را انطور که هست باید دید نه آن‌طور که دوست داریم و پس از آن با بررسی کمی قدرت اقتصادی چین به برخورد محتوم تعارض امیز چین و امریکا حکم سرنوشت گونه خود را صادر می‌کند. در بررسی شاخص‌های قدرت کمی و عینی دولت‌ها عاملی برای صعود آنها به مرتبه هژمونیک شدن تلقی می‌شود. همچنین به باوروی پیش‌بینی و پیش‌گویی دو شاخص نظریه موفق است که باید مورد توجه قرار گیرند. (همان: ۸-۴) پیش‌بینی مرشایمر درباره اتمی شدن المان و اوج‌گیری رقابت‌های امنیتی در اروپا در مقاله بازگشت به آینده از جمله ادعاهایی بود که تاکنون با شکست روبه رو شده است. وی تاریخ را "ازمایشگاهی" می‌داند که نظریه‌ها در آن اثبات می‌شوند و به آزمون نهایی می‌رسند.

۲.۳ نظم منطقی و انسجام فصول

کتاب در ده فصل سازماندهی شده است. فصل اول به ارایه اصول و مفروضات اساسی واقع‌گرایی تهاجمی که عمدتاً از واقع‌گرایان کلاسیک و ساختارگرا وام گرفته شده اختصاص دارد. نویسنده کتاب با طرح مباحثی مانند دلایل تکراری بودن رفتار سیاست خارجی دول غربی به تایید نظریه خود و رد نظریه‌های لیبرالی و سازه‌انگاری می‌پردازد. در فصل دوم که ادامه بسط مفروضات فصل اول است به توضیح بیشتر و دقیق‌تر مبانی نظری واقع‌گرایی تهاجمی به همراه نقد سایر نظریه‌های واقع‌گرایی از جمله واقع‌گرایی ساختاری والتز به دلیل عدم توجه به قدرت‌طلبی هژمون خواهانه قدرت‌های بزرگ به‌طور خاص امریکا می‌پردازد. در فصل سوم تعامل ثروت و قدرت را به صورت معادله ابزار-هدف

مطالعه می کند. در این معادله منابع اقتصادی و نظامی ابزارهایی هستند که به طور مستقیم در خدمت توسعه طلبی دولت هژمون قرار می گیرند. به باور مرشایمر ناپلئون و هیتلر از جمله مثال‌های موفقی هستند که قدرت‌گیری نظامی - اقتصادی آنها در سال‌های منتهی به آغاز جنگ به اثبات این معادله کمک می کند. در فصل چهارم با ذکر مثال‌هایی از تاریخ جنگ‌های جهانی اول و دوم تصرف سرزمینی و اولویت دهی به قدرت نظامی زمینی نسبت به قدرت دریایی مورد کاوش تاریخی قرار می گیرد. به نظر وی قدرت‌های بزرگ همواره در کنار قدرت دریایی از قدرت زمینی نظامی بالایی برخوردار بوده‌اند. فصل پنجم به دو دسته کلان استراتژی‌هایی برای کسب قدرت مانند جنگ، باجگیری، طعمه‌گذاری و تحریک برای فرسایش و آتش‌بیاری معرکه و استراتژی‌هایی برای کنترل مهاجمان مانند موازنه‌سازی، احاله مسئولیت (Buck-Passing) تقسیم‌بندی می شود.

مرشایمر احاله مسئولیت و عدم مداخله در منازعات منطقه‌ای را خطرناک می داند. چرا که منجر به قدرت‌گیری هژمون‌های منطقه‌ای می شود. سه فصول ششم، هفتم و هشتم با عناوین قدرت‌های بزرگ در صحنه عمل، موازنه گران برون سرزمینی و موازنه در برابر احاله مسئولیت به بحث نقش قدرت‌های موازنه گر فراقاره ای به منظور اعاده موازنه قدرت و خاتمه دادن به جنگ‌های هژمون جویانه عمدتاً توسط آمریکا و انگلستان می پردازد. این ادعا در چارچوب استفاده از داده های تاریخی مربوط به جنگ های ناپلونی، جنگ اول و دوم جهانی صورت گرفته است. در فصل نهم با عنوان علل وقوع جنگ میان قدرت‌های بزرگ مرشایمر دلایل بروز جنگ های بزرگ ناپلونی و جهانی اول و دوم را به ساختار قدرت نظام بین الملل فارغ از نوع قطب بندی های موجود می داند. به نظر مرشایمر میل قدرت های بزرگ برای هژمون شدن و کسب امنیت مطلق و حداکثری تمایلی است که همواره وجود و تراژدی خشونت بار منازعات منطقه ای و جهانی امری است اجتناب ناپذیر. در فصل دهم ظهور چین و خطر آن برای آمریکا به عنوان قدرتی که هژمون های منطقه ای را همواره موازنه کرده است به بحث گذاشته شده است. نویسنده کتاب بر این عقیده است که در دوره وجود سلاح‌های هسته‌ای جنگ‌های هژمون طلبانه و راه‌حل‌های نظامی به قوت خود باقی مانده اند و خطر وقوع منازعه‌های خشونت بار میان آمریکا و چین وجود دارد.

منطق تسلسل تاریخی و ترتب زمانی بررسی پدیده‌های بین المللی در فصول چهار تا نه به شکل پررنگی به چشم می آید. تبیین دلایل شروع جنگ و رفتار قدرت‌های بزرگ

جزیره‌ای و قاره‌ای در قالب نظریه واقع‌گرایی تهاجمی زنجیره‌ای از منطق نظری و تاریخی است که تمامی فصول را به یکدیگر متصل می‌سازد. استفاده از داده‌های تاریخی در قالب شش فصل میانی کتاب برای اثبات و کارآمدی نظریه واقع‌گرایی تهاجمی نتیجه تمامی مباحثی است که در قالب تفسیر وقایع با جداول و امار کمی به منظور اندازه‌گیری قدرت بازیگران و قدرت‌های بزرگ حاضر در جنگ‌های مهم جهانی و منطقه‌ای ارائه شده است. نظم و انسجام مطالب کتاب در درون هر فصل در خدمت تایید نظریه قرار دارد و با اضافه شدن جداول مقایسه‌ای و امار این انسجام به بهترین شکل ممکن متحقق شده است.

مرشایمر برای تایید مفروضات نظریه خود در برابر استدلال‌های دو دسته مخالفان خود به ارائه مباحث نظری و تاریخی اقدام می‌کند. اول در جهت پاسخ به ادعاهای واقع‌گرایان کلاسیک مانند مورگنتاو و کنان به آثار بزرگ آنها اشاره می‌کند و به رد منطق نظری این دو دانشمند اهتمام می‌ورزد. در جبهه نظری دوم به سراغ لیبرال‌های کلاسیک و نولیبرال‌های بعد از دهه شصت می‌رود و آنها را مورد نقد خود قرار می‌دهد. برای رد دیدگاه لیبرال‌های خوشبین و آرمان‌گرا محققان و دانشمندانی همچون هینسلی (Hinsley)، موراوچیک (Moravcsik)، نورمان انجل (Norman Angell)، رابرت کوهن (Robert O. Keohane) را مثال می‌زند و با ذکر آثار بزرگ آنها به حمله‌های نظری خود شتاب بیشتری می‌دهد. آثار والتز از لبه تیغ انتقادات مرشایمر محفوظ نمانده است؛ اما نسبت به والتز در مقایسه با واقع‌گرایان کلاسیک و لیبرال‌های کلاسیک و مدرن همدل تر می‌شود. پس از اشاره گسترده به آثار بزرگان جریان واقع‌گرایی و لیبرالیسم برای به دست آوردن داده‌های تاریخی به سراغ نویسندگان تاریخ دیپلماسی مانند سینگر و اسمال (David Singer and Melvin Small, 1993)، مایکل هاوارد (Michael Howard, 1975) و دیوید گلاتنز (David M. Glantz, 1983) می‌رود. استفاده گسترده از منابع تاریخی و نوشتن حاشیه بر آنها از جمله نقاط قوت مربوط به منابع مورد استفاده در این کتاب است. در ترجمه فارسی این کتاب ۱۳۴ صفحه به منابع و حاشیه نوشته‌های مرشایمر اختصاص یافته است. برخی جداول و آمارهایی که نویسنده کتاب مورد استفاده قرار داده است مانند منابع مربوط به بانک جهانی از اعتبار بالایی برخوردار هستند. در نقد منابع می‌توان به ذکر دو نمونه بسنده نمود. اول اینکه منابع تاریخی مورد استفاده عمدتاً از میان آثار تاریخ‌دانان واقع‌گرا مانند جک اسنایدر (Jack Snyder) و لوی (Levy) انتخاب شده‌اند و دوم آنکه برخی جدول‌ها و آمارها که در انتهای کتاب آمده‌اند دارای منابع معتبر نیستند و یا فاقد منبع هستند. در استنادات و ارجاعات، ادعاها و نقل‌قول‌ها می‌باید

دارای ارجاع باشند. به طور میانگین در هر صفحه سه پاراگراف وجود دارد که از آن میان حداقل دو استناد که در پایان کتاب به صورت فصل‌های جداگانه به طور کامل ارجاع داده شده‌اند آمده است. نوع اثر، نویسنده اثر و شماره صفحه‌ای که مطلب از آن برداشته شده است در پایان کتاب به صورت مجزا در قالب ارجاع دهی به سبک متون علمی و دانشگاهی آورده شده است.

دو نقد جدی به مرشایمر در بحث بی طرفی علمی وارد است. اول آنکه وی تضارب ارا و بهره‌گیری از دیدگاه‌های متنوع و بعضاً متعارض با دیدگاه خود را تنها در فصل اول و نیمی از فصل دوم به انجام می‌رساند و در ادامه نگارش متن کتاب تنها در پیلای نظری که به دور خود بافته است به تفکر و تبیین سیاست بین الملل می‌پردازد. تقریباً تمامی تحولات سیاسی - امنیتی بعد از انقلاب فرانسه در قالب نظریه واقع‌گرایی تهاجمی تبیین می‌شود و رویکرد‌های لیبرالی، انتقادی، پست مدرن و ناسیونالیستی به محاق فراموشی سپرده می‌شوند. دوم آنکه نظریه وی از سطح تبیین می‌گذرد و به ارزیابی تجویز مستقیم برای سیاست خارجی امریکا در فصول پایانی نزدیک می‌شود. به عنوان مثال در صفحات ۴۰۸ و ۴۰۹ کتاب، هدف هژمون به عنوان یک مورد تحلیلی علمی با هدف سیاست خارجی امریکا به صورت ایدئولوژیک و تجویزی یکی دانسته می‌شود و به نظر می‌رسد از حالت دانشگاهی و علمی خارج می‌شود و به سمت دستورنویسی نگاه‌های امنیتی - دولتی و روزنامه‌ای نزدیک می‌گردد.

۴. انسجام نظری و نقد آن

در بخش نقد و بررسی محتوایی چهار سطح نقد را به تفکیک و مرتبط با یکدیگر مورد بررسی قرار خواهیم داد.

۱.۴ سطح اول: نقد نظری

واقع‌گرایان می‌گویند جنگ از تلاش کشورها برای دستیابی به قدرت و امنیت در دنیای هرج و مرج گونه ناشی می‌شود. یعنی در دنیایی که برای نظم جز خودیاری و نیروی سلاح داوری نهایی وجود ندارد. بر این اساس دگرگونی در قدرت، برهم خوردن تعادل در توازن قدرت و رقابت بر سر جلب متحدان، دستیابی به سرزمین و دیگر منابع قدرت عوامل عمده

جنگ به حساب می‌آیند. همچنین هنگامی که دولت‌ها برای تقویت امنیت خودشان به ارتقای توان تسلیحاتی، برقراری ائتلاف یا تلاش برای ایجاد دولت‌های حایل روی می‌آورند معضلاتی امنیتی پدید می‌آید. این امر سبب می‌شود دولت‌های دیگر احساس ناامنی کنند و چنین وضعیتی مسابقه تسلیحات، متصلب شدن ائتلاف‌ها و رقابت بر سر دستیابی به سرزمین‌ها و منابع استراتژیک را به همراه خواهد داشت. در رویکرد واقع‌گرایانه نهادهای قدرتمند بین‌المللی تنها زمانی وجود دارند که موازنه قدرت موجود مورد رضایت دولت‌های بزرگ باشد. (نای، ۱۳۸۷: ۶۹)

نظریه واقع‌گرایی تهاجمی مورد بحث در کتاب مفروضات فوق را برای بنای ساختمان نظری خود پذیرفته است. تفاوتی که نظریه مذکور با سایر نظریه‌های واقع‌گرایی دارد در تهاجمی نشان دادن نیت دولت‌ها برای رسیدن به وضعیت هژمونی و کسب امنیت مطلق و برجسته کردن نقش قدرت‌های منطقه‌ای در توازن بخشی به سایر قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی است. راهبردهایی مانند جنگ، طعمه‌گذاری و تحریک برای فرسایش، آتش‌باری معرکه، موازنه‌سازی، احاله مسئولیت برای مهار، کنترل و تضعیف رقبای منطقه‌ای و جهانی از جمله ابداعات مفهومی در چارچوب نظریه واقع‌گرایی تهاجمی است که در فصل پنجم به بحث گذاشته شده است. (مرشایمر، پیشین: ۱۷۸-۱۶۴)

تکرار مفروضاتی مانند شباهت رفتاری دولت‌ها و به طور خاص قدرت‌های بزرگ با مقوله معمای امنیت، برداشت مادی از منابع قدرت و نگاه بدبینانه و امنیتی به نظام بین‌الملل و فروکاستن هنجارها و نهادها به ابزاری در دست دولت‌ها و قدرت‌های بزرگ و وجه مشترک مرشایمر با سایر واقع‌گراها در منطق نظری واقع‌گرایی در اشکال متنوع آن است. به نظر جزف نای نظریه واقع‌گرایانه در زمینه تشریح تعاملات در مقایسه با تشریح منافع بهتر عمل می‌کند. نظریه‌ای که درباره منافع ارایه شده و در آن تنها از واژگان قدرت برای تعریف این پدیده استفاده شده است نظریه‌ای ضعیف درباره منافع به حساب می‌آید. ... اینکه بگوییم دولت‌ها بر اساس منافع خودشان عمل می‌کنند توضیح واضح‌تر است (یا اینکه بگوییم تغییر صرفاً در محدوده ابزارها و نه اهداف صورت می‌گیرد باز هم همین حکم را دارد) مگر اینکه توضیحی معقول درباره چگونگی برداشت از این منافع و تعریف دوباره آنها ارائه دهیم. (نای، پیشین: ۴۸)

در نقدی در سطح خرد و کارگزار محور جرویس معتقد است سوء برداشت اغلب نقشی عمده در وقوع جنگ دارد و در این باره می‌توان احکام مشخصی با بردی متوسط

مطرح کرد. بسیاری از تاریخ دانان با این حرف موافقتند. بلینی ابراز عقیده کرده است که این توزیع یا موازنه واقعی قدرت نیست که اهمیت اساسی دارد بلکه آنچه بیشترین اهمیت را دارد برداشتی است که رهبران ملی از توزیع قدرت دارند. جنگ در واقع از اختلاف نظر رهبران در ارتباط با اندازه گیری قدرت ناشی می شود. جنگ نشان دهنده گزینش مجموعه‌ای جدید از وزنه ها و معیارهای اندازه گیری است. خوش بینی بیش از حد نظامی در وقوع جنگها نقش داشته است. جرویس خاطر نشان می کند خوشبینی نظامی به ویژه زمانی خطرناک است که با بدبینی در عرصه های سیاسی و دیپلماتیک همراه شود. این ملاحظات جرویس فرضیه کمکی سودمندی درباره نظریه های انتقال قدرت که گیلپین از آن سخن گفته است ارایه می کند. (همان: ۳۷)

هاله‌ی سنگین بدبینی نسبت به فرایندهای موازنه جویانه مسالمت امیز تمامی فضای نظری واقع گرایی تهاجمی را دربر گرفته است و تمرکز بر ابزارهای نظامی به منظور کسب حداکثر امنیت ملی به تقلیل گرایی سخت افزاری در نظریه مذکور انجامیده است. روزکرانس مستقیماً برداشت مرشایمر از تاریخ را مورد نقد قرار می دهد و معتقد است که چون او صرفاً به جنگ و منازعه و دغدغه های امنیتی می اندیشد، تاریخ را صرفاً از این دریچه تحلیل کرده در حالی که تحولات تاریخ صرفاً نتیجه تلاش قدرتها برای بر هم زدن موازنه به نفع خویش نیست؛ بلکه محصول و برآیند عوامل اقتصادی و اجتماعی و تکنولوژیک متنوعی است که بدون در نظر گرفتن آنها نمی توان رفتارها و عملکردهای دولت‌ها را به عنوان مهمترین کنشگران روابط بین الملل درک کرد. (سلیمی، پیشین: ۲۹) رندال شولر در تقسیم بندی دیگر برای رهایی از فضای سیاه و سفید واقع گرایی و لیبرالی محض ضمن انتقاد به هر دو رویکرد به دسته بندی سه گانه‌ای با توجه به نوع موضوع و شرایط حاکم بر نظام بین الملل دست زده است. رندال شولر در مقاله ای با عنوان ظهور قدرت‌ها در یک دوره بی نظمی از مفهوم دوره‌ی اختلال (Time s Entropy) برای فاصله گرفتن از دو رویکرد تقابلی جویانه همکاری جویانه، بدبینانه و خوشبینانه محض استفاده کرده است. در مفهوم دوره اختلال تنها یک نقش توسط قدرت‌های بزرگ بازی نمی شود. بلکه دولت‌ها به عنوان بازیگران چالشگر دارای هویت‌های چندگانه هستند. سه نقش حامی (Supporter)، چپاولگر (Spoiler) و طفره رو (Shirkers) را با توجه به موضوعات خاص و سطح برخورد (داخلی، منطقه‌ای و جهانی) برای قدرت‌ها تعریف می کند. (Schweller, 2011: 290)

در نظریه واقع‌گرایی تهاجمی حذف سایر ابزارهای اعمال قدرت از نظام بین‌الملل همچون ابزارهای فرهنگی و اقتصادی محض به این نظریه بعدی غیرپویا بخشیده است. کنت تامپسون و سوجت موکو در مقاله‌ای تحت عنوان دیپلماسی فرهنگی بینشی کارکردی درباره نقش فرهنگ دارند. آنها بر غفلت از عوامل مهم فرهنگی در عرصه سیاست خارجی تاکید می‌کنند و معتقدند که در مطالعات سنتی سیاستمداران، دیپلماسی فرهنگی منزلت چندانی نداشته است. از دیدگاه آنان به جز نقش انقلاب ارتباطات و اطلاعات دو دلیل عمده برای اهمیت دیپلماسی فرهنگی وجود دارد: نخست آنکه با کاهش احتمال درگیری نظامی میان قدرت‌های بزرگ از اهمیت مسایل نظامی و استراتژیک کاسته شده و مسایلی چون دیپلماسی فرهنگی جایگزین آن شده‌اند. دوم آنکه احتمال درگیری میان قدرت‌های فروتر افزایش یافته است. روابط فرهنگی می‌تواند در کاهش سوء تفاهم، جهل و ترس موجود میان این قدرت‌ها که به تعارض و رویارویی آنها منجر می‌شود کمک کند. (Moko and Thompson, 1979: 404)

برجسته شدن مولفه اقتصاد در تعاملات بین‌المللی در فردای جنگ سرد رویکردهای متنوعی را برای تبیین و بررسی تحولات روابط بین‌الملل فراهم نموده است که در تقابل با واقع‌گرایانی مانند مرشایمر مباحث مهمی را دربردارند. روزکرانس بر خلاف مرشایمر بر این باور است که دولتها ... بر اساس فرهنگ اقتصاد جهانی با هم رقابت می‌کنند. نقطه متمایز روزکرانس در این است که از نظر او تمرکز بر روی مسایل سرزمینی و نظامی اشتباه محض است. ... آنچه در حال رشد است فرهنگ اقتصاد جهانی است. از این رو قواعد سیاست جهانی بیش از پیش به سوی قواعد اقتصادی میل می‌کند و تفاوتی را که امثال مرشایمر بر جدایی محض قواعد اقتصاد و سیاست قایل بودند در نظر روزکرانس مردود است. (سلیمی، ۱۳۸۴: ۳۱) در ادامه اهمیت منابع فراساخت افزاری از نظر روزکرانس دولت مجازی دولتی است که عرصه فعالیت‌های خود را بویژه در حوزه اقتصاد و تجارت به سطح جهانی گسترش داده است و در این زمینه بیشترین بهره را از فضای مجازی و تکنولوژی ارتباطات می‌برد. دولت مجازی پدیده نوینی است که در سرزمین‌های توسعه یافته به وجود آمده و اساس روابط بین‌الملل در جهان جدید است. (Rosecrance, 1996: 50)

در نقدی فراتر از پارادیم واقع‌گرایی به مفهوم هژمون که مفهومی کلیدی در نظریه واقع‌گرایی تهاجمی است روبرت کاکس خاطر نشان می‌کند که صلح بریتانیایی در قرن نوزدهم و صلح امریکایی در قرن بیستم به این علت موثر واقع شدند که نظم‌های اقتصادی

لیبرالی ایجاد کردند. در چارچوب این ترتیبات انواع مشخصی از روابط اقتصادی در مقایسه با انواع دیگر مزیت پیدا کرد و قواعد و نهادهای لیبرالی بین المللی به طور گسترده مورد پذیرش واقع شد. کاکس با پیروی از اندیشه‌های انتونیو گرامشی ابراز عقیده می‌کند که مهمترین ویژگی یک کشور مسلط توانایی آن در تامین سطح بالایی از رضایت بر سر اصول همه‌گیر است. اصولی که برتری کشور پیشتاز و طبقات اجتماعی مسلط را تضمین می‌کنند. همچنین کشور مسلط باید از این توان برخوردار باشد که چشم اندازی از تامین خواسته‌ها و رضایت کشورهای ضعیفتر را پیش روی آنها قرار دهد. (نای، ۱۳۸۷: ۱۰۱) نگاه سخت افزارانه نظامی به دولت هژمون و رویکرد تک بعدی به منافع سازنده قدرت هژمون از جمله نقدهای نظری دیگری است که می‌توان به کتاب تراژدی سیاست قدرت‌های بزرگ وارد دانست.

۲.۴ سطح دوم: نقد تاریخی

مرشایمر "جهان را به منزله آزمایشگاهی" برای بررسی تطبیق نظریه با وقایع تاریخی می‌داند تا در پرتو آن به اثبات و "آزمون نهایی" نظریه نایل آید. (مرشایمر، پیشین: ۸) بررسی رفتار قدرت‌های بزرگ از قرن هجدهم و با آغاز انقلاب فرانسه و امپراتوری ناپلئون تا دوره پسا جنگ سرد و قدرت‌گیری اقتصادی چین در شرق آسیا دامنه مطالعات تاریخی مرشایمر را برای اثبات نظریه خود دربرمی‌گیرد. تبیین قدرت طلبی دولت‌ها و منشاء انگیزه آنها برای گسترش فتوحات سرزمینی برای فتح اروپا و جهان در قالب میل همیشگی همه دولت‌ها برای هژمون شدن مورد انتقاد محققان تاریخ روابط بین الملل قرار گرفته است. انتقاد از حذف سایر مولفه‌های انگیزه بخش مرتبط با سطح کارگزار و نظام منطقه‌ای و جهانی بخش مهمی از نقدهای تاریخی-نظری را به سمت مرشایمر و کتاب وی هدایت می‌کند. روزکرانس تحلیل مرشایمر از قرن نوزدهم را نقد می‌کند. او معتقد است در نیمه نخست قرن نوزدهم بیش از آنکه کنش و واکنش و یا توازن میان قدرت‌ها مطرح باشد رویش ناسیونالیسم و ضعف تدریجی خاندانهای اشرافی بر عرصه سیاسی اروپا تاثیرگذار بوده است. به باور وی مسبب پیدایش امپریالیسم افراط‌گرایی ناسیونالیستی است و رشد ناگهانی تکنولوژی جنگی باعث برخورد قدرت‌های امپریالیستی و پیدایش جنگ جهانی اول شد. (سلیمی، پیشین: ۲۹)

هژمون منطقه‌ای موازنه بخش بودن امریکا مورد تاریخی دیگری است که مرشایمر برای اثبات نظریه خود از دوره جنگ‌های جهانی اول و دوم و جنگ سرد به ان استنادات فراوانی داده است. لین عقیده دارد که برخلاف آنچه مرشایمر می‌گوید ایالات متحده به عنوان یک موازنه کننده کرانه ای عمل نمی‌کرده است بلکه از پایان جنگ جهانی دوم استراتژی کلان برتری و هژمونی جهانی را دنبال کرده و بعد از پایان جنگ سرد نیز آن را تداوم بخشیده است. (Layne, 2006) المان برعکس عقیده دارد که ایالات متحده تنها به دلیل موازنه کنندگان محلی یا فرامنطقه‌ای توانست به هژمونی منطقه‌ای دست یابد. از آنجا که بعید است این شرایط برتر در دوران معاصر تکرار شود سایر قدرت‌های بزرگ معاصر هیچ انگیزه واقعی برای کسب هژمونی منطقه‌ای ندارند. المان می‌تواند با بسط بعد جغرافیایی که از یک طرف متمایزکننده قدرت‌های بزرگ جزیره ای از قاره ای و از طرف دیگر قدرت‌های بزرگ منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای می‌باشد این بحث را توسعه دهد. به نظر می‌رسد این عوامل جغرافیایی تأثیری مهم بر ساختار کلی نظام بین الملل دارند. بنابراین به عقیده المان، مرشایمر مجموعه عوامل ساختاری را که قدرت‌های بزرگ می‌توانند در مقابل ان ایستادگی کنند چندان مورد توجه چندان نمی‌دهد. تنها در صورتی که این عوامل به طور کلی مورد بررسی قرار گیرند اشاعه بعد سیاست خارجی در چارچوب نظری مرشایمر امکان‌پذیر می‌گردد. (Elman, 2004: 563-576)

در ارتباط با وضعیت تخاصم و دشمنی حتمی میان امریکا و چین پس از جنگ سرد تحلیل‌های نظری و موارد تاریخی در جهت نقد دیدگاه مرشایمر فراوان مطرح شده‌اند. باری بوزان به عنوان یکی از نمایندگان شاخص مکتب انگلیسی در مقاله "چین در جامعه بین‌الملل: آیا ظهور مسالمت‌آمیز امکان‌پذیر است؟" به بررسی این موضوع با اتکاء به رهیافت مکتب انگلیسی روابط بین الملل می‌پردازد. از منظر وی ظهور مسالمت‌آمیز فرایندی دو وجهی است. بدان معنا که از یک سو دولت در حال ظهور خود را با قواعد و نهادهای جامعه بین‌المللی تطبیق می‌دهد و از دیگر سو سایر قدرت‌های حافظ وضع موجود تغییراتی را در این قواعد و نهادها به تناسب تغییر در آرایش قدرت ایجاد می‌کنند. بوزان استدلال می‌کند که برخلاف گذشته، چین از دوران اصلاحات و سیاست درهای باز تلاش می‌کند به شیوه‌ای دیگر با جامعه بین‌المللی تعامل (Engage) کند و به قدرتی حفظ وضع موجود تبدیل شده است. (Buzan, 2010: 21) از نقطه نظر سیاسی در قالب استراتژی تعامل شبکه‌ای ایالات متحده در پی آن بود تا با گسترش هر چه بیشتر پیوندهای دوجانبه

اختلافات میان دو کشور را در پایین‌ترین سطح ممکن نگاه دارد. در این قالب ایالات متحده تلاش کرد چین را به مکانیسم چندجانبه در حوزه رژیم های کنترل تسلیحات که مسایلی چون مدیریت سلاح های کشتار جمعی، تکثیر این سلاح ها و تجارت تسلیحات را در برمی گیرد و نیز رژیم‌ها و مکانیسم‌های دیگری چون کنوانسیون حقوق مدنی و سیاسی وارد سازد. افزون بر این ایالات متحده بر مبنای الزامات سیاسی استراتژی تعامل تلاش کرد چین را در مدیریت مسایل منطقه ای همچون بحران کره شمالی وارد نماید. (Jayshree, 2007) از سال ۱۹۴۹ تاکنون چین ۱۷ مورد از ۲۳ مورد اختلافات مرزی خود را حل کرده است. چین در این موارد بسیار انعطاف پذیر عمل کرده و در بسیاری موارد کمتر از پنج درصد سرزمین ها را به دست آورده است. نکته مهم آنکه هشت مورد از این اختلافات در دهه ۱۹۹۰ حل و فصل شد که دهه قدرت یابی چین محسوب می شود. الگوی رفتاری چین در حل و فصل اختلافات مرزی به ویژه در دوران پساجنگ سرد شاخصی بسیار تعیین کننده در تایید رفتار استراتژیک متفاوت آن است. (Fravel, 2005)

تنوع در اشکال تعاملات بین دولتی، حضور بازیگران غیردولتی و حوزه‌های مشترک سیاسی، اقتصادی و فرهنگی برای گسترش همکاری‌های متقابل نقد دیگری است که بر تفاسیر یکجانبه و بدبینانه مرشایمر آورده شده است. به عنوان مثال نقد دیگر روزکرانس بر واقع‌گرایانی مانند مرشایمر مبتنی بر عملکرد قدرت‌های لیبرال است. زیرا در دوران جدید بسیار پیش آمده که آنها قدرت و توانایی تهاجم نظامی را داشته‌اند و مانعی جدی نیز در مقابل خود نمی‌دیدند اما دست به تهاجم نزده‌اند. انگلستان در سال ۱۸۷۰ چنین توانایی را در مقابل روسیه داشت و امریکا نیز در مقابل کانادا و مکزیک؛ اما هیچ یک دست به تهاجم نزدند. بنابراین می‌توان گفت که در رفتار خارجی کشور ممکن است به جز میل به تهاجم برای امنیت بیشتر انگیزه‌های اساسی دیگری نیز وجود داشته باشد. از دیدگاه روزکرانس در نظریه مرشایمر قدرت‌ها تنها بازیگران اصلی نظام بین‌الملل هستند و تنها علیه یکدیگر عمل می‌کنند. در این تحلیل جایی برای پدیده‌هایی مانند تروریسم نیست که در چارچوب رفتار و کنش متقابل قدرت‌ها قابل توضیح نیست. همچنین در این نگرش پدیده همسازی و همکاری و همراهی میان قدرت‌ها بی‌معنی و غیرقابل تبیین است در حالی که در جهان امروز قدرت‌ها بیشتر میل به همکاری داشته در مسیر همسازی هستند. حتی در حوزه‌های امنیتی عملکرد آنان مثلا در خاورمیانه و افغانستان بیشتر بر مبنای همکاری بوده و نه از بیم شکل‌گیری هژمونی جدید دست به اقدام زدند و نه در مقابل یکدیگر ایستادند. جهان امروز

بیشتر به سوی همکاری و منافع مشترک پیش می‌رود و این فرایندی است که در دیدگاه مرشایمر قابل فهم نیست. (Rosecrance, 2002: 138-145)

۳.۴ سطح سوم: نقد تجویزی

عمدتاً پس از طرح ادعای تبیین درست و دقیق واقعیت‌های عینی، محققان دست به تجویز در سیاست خارجی دولت‌ها می‌زنند تا راه درست رسیدن به اهداف مطلوب مدنظر را روشن سازند. به باور جوزف نای اکثر نظریه پردازان روابط بین‌الملل با این مشکل مواجه‌اند که به جای بررسی حوادث از دور خود در میانه رخدادها قرار دارند. به همین علت تعجب آور نیست که نظریه روابط بین‌الملل به شدت تحت تاثیر مسایل سیاسی موجود قرار گرفته است. این مسئله حتی در ارتباط با واقع‌گرایان که تلاش‌های خود را در زمینه درک واقعیت‌های همیشگی دولت متمرکز کرده‌اند نیز صادق است. توسیدید به عنوان بنیان‌گذار واقع‌گرایی، توضیحی ساختاری از ریشه‌های جنگ پلوپونزی ارائه کرده است. علت این امر تا حدی به این خاطر بود که وی می‌خواست درس‌هایی از مطالعات خود به همشهریانش بیاموزد. زمانی که هانس مورگنتاو کتاب کلاسیک مربوط به دوره پس از جنگ با عنوان سیاست ملل را به رشته تحریر درآورد اشکارا قصد داشت به هموطنان خود اهمیت پرهیز از پندارهای آرمان‌گرایانه و انزوآگرایانه را گوشزد کند. از نظر او این پندارها در فاصله بین دو جنگ جهانی غالب شده بود. حتی نظریه‌های ساختاری کنت والتز را می‌توان توصیه‌هایی به سیاست‌گذاران و هموطنان خود دانست. والتز در این نظریه بیشتر می‌خواهد به مخاطبان خود بگوید که چگونه باید در مقابل ساختار قدرت واکنش نشان دهند. (نای، پیشین: ۴۴)

در حالی که والتز می‌پذیرد که نظریه‌اش تنها فرایندهای نظام مند را مورد بررسی قرار می‌دهد مرشایمر اصرار دارد که نظریه وی به توضیح جهت‌گیری سیاست خارجی کشورهای مختلف کمک می‌کند. تصویر نظامی‌گرایانه و بدبینانه‌ای که مرشایمر برای فهم و تبیین سیاست بین‌الملل ارائه می‌دهد بر تجویز و تصویرسازی‌های مبتنی بر آینده نزدیک و میان مدت در نظام منطقی وی تاثیر زیادی را باقی گذاشته است. این تصاویر با مقتضیات و تحولات کنونی که محدودیت‌هایی را برای قدرت‌های بزرگ فراهم آورده است ناهمخوانی زیادی دارد. از نظر روزکرانس مرشایمر به عکس والتز از تبیین سیاست خارجی به فهم سیاست بین‌المللی می‌رسد و رسیدن به امنیت مطلق را مهمترین خواسته قدرت‌های

بزرگ می داند که تنها از طریق قدرت و رسیدن به هژمونی قابل دستیابی است. مشکل اصلی نظریه (تجویزی) او از اینجا آغاز می شود که کاملاً با گسترش دموکراسی برای صلح و نیز اثرات تقلیل دهنده جهانی شدن مخالف است. (Rosecrance, 2002: 137) در بحبوحه هیاهوی جهانی در مورد سیاست های قومی، منازعات منطقه ای و بحرانهای مالی واقعیت جدیدی در حال شکل گیری است. دولتهای توسعه یافته در حال رفتن به فراسوی جاه طلبی ها و خواسته های نظامی و سرزمینی هستند و درگیری آنها نه بر سر سلطه سیاسی بلکه برای برخورداری از سهم بیشتر در تولید و محصولات جهان است. در این فرایند ملت ها در حال کوچک شدن در کارکردها و نه در اندازه جغرافیایی خود هستند. دولت-ملت ها واحدهایی کم حجم تر و فشرده تر اما توانا تر و با طراوت تر می شوند که توانایی پایداری در مقابل فشارهای ناشی از رقابت جهانی را داشته باشند. ما به جهانی وارد می شویم که در آن مهمترین منابع آنهایی هستند که کمتر ملموس و مادی اند. در این جهان سرزمین کم اهمیت تر از مردمان تحصیل کرده است ذخیره و انباشت محصولات، سرمایه و کارگر اهمیت کمتری از جریان آن دارد و منافع محلی و ناحیه ای اهمیت کمتری از اقتصاد بین الملل به عنوان یک کل دارد. (Rosecrance, 1999: 3) تصویر روزکرانس از تحولات جهانی با تجویز مرشایمر مبنی بر مراقبت دایمی از منافع سخت ملی که عمدتاً توأم با چالش های نظامی گرایانه و تعارضی است متفاوت است و پاسخی نقادانه به ادعاهای شمول گرایانه امنیتی مبدع نظریه واقع گرایی تهاجمی است.

۴.۴ سطح چهارم: نقد اسلامی

در اسلام کسب قدرت برای رسیدن به اهداف والاتری همچون قرب الهی، کسب رضایت خداوند و پاکیزگی روح و روان است. در اسلام قدرت به ذات ارزشی ندارد مگر آنکه در خدمت اهداف مشروع و مقدس قرار گیرد. نحوه ی کسب قدرت با توجه به سیره بزرگان دین از طرق مشروع و انسانی صورت می پذیرد. آنچه نزد مرشایمر در سیاست بین الملل مطلوب است نفس کسب قدرت و اعمال آن به هر طریق ممکن است. در صفحه ۲۴ کتاب فقدان قواعد اخلاقی در بازی سیاست بین الملل نزد قدرت های بزرگ به صورت آشکار و واضح با نگاهی تجویزی بیان شده است. در این صفحه از کتاب قدرت های بزرگ موفق همچون "قدرت طلبانی بیرحم" تصویر می شوند که با توجه به آثار شی بدخیمی که در نظام بین الملل وجود دارد از دست زدن به هر عمل ضد انسانی از جمله استفاده از سلاح های

مرگبار برای هژمون شدن و تغییر وضع موجود محدودیت هنجاری و اخلاقی ندارند. در مجموع می‌توان این گونه ادعا نمود که مفروضات و مبانی نظریه واقع‌گرایی تهاجمی با هدف از کسب قدرت و نحوه کسب قدرت در اسلام سازگاری بالایی ندارد.

در چارچوب رویکرد هستی‌شناسی توحیدی و وحدت‌گرای اسلامی که انسان حقیقت تجزیه‌ناپذیری است کنشگران اجتماعی صرفاً بر پایه عقلانیت ابزاری مبتنی بر تحلیل هزینه-فایده مادی عمل نمی‌کنند بلکه تصمیمات بر پایه تعامل عقل نظری، عملی-اخلاقی و بیانی اتخاذ می‌شود. بنابراین بازیگری ممکن است بر اساس عقل جزئی معاش بخواهد تصمیمی مبنی بر تامین سود مادی و منفعت شخصی بگیرد ولی عقل عملی اخلاقی وی را از اتخاذ آن بازداشته و در جهت نوع دوستی و منافع و مصالح بشری هدایت کند. البته این نوع عقلانیت اقتضای فطرت انسانی و الهی است. (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۹: ۶۵) به طور خلاصه عقلانیت ابزاری و فارغ از ملاحظات اخلاقی فطری همواره مورد انتقاد علمای ادیان الهی از جمله دین اسلام بوده است. این مهم در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران که داعیه دار پرچمداری اخلاق مداری سیاسی و جهان شمول و ثابت بودن کرامت انسانی است همواره مورد تاکید بوده است و از همین زاویه نظری انتقاداتی را به نظریه‌ها و دیدگاه‌های سکولار صرفاً دنیوی و قدرت محور وارد کرده است. در دیدگاه اسلامی به روابط بین‌الملل تنها عناصر مادی قدرت و تایید وضعیت موجود محل بحث نیستند؛ بلکه نگاه تفسیری-انتقادی که در آن انگیزه‌های بازیگران مختلف و همچنین منابع مادی و اعتقادی نقش مهمی را بازی می‌کنند از اهمیت بالایی برخوردارند. رویکرد اثباتی و فاقد محدودیت‌های اخلاقی نظریه واقع‌گرایی تهاجمی به اهداف دولت‌ها در زیست سیاست بین‌الملل و منابع اعمال قدرت در آن با دیدگاه اسلامی و انقلابی ناهمخوانی زیادی دارد.

۵. ارائه راهکار و پیشنهادات پژوهشی

کتاب تراژدی سیاست قدرت‌های بزرگ برای تدریس در درس نظری تحصیلات تکمیلی در رشته روابط بین‌الملل و مطالعات منطقه‌ای اثر در خور توجهی است و برای آشنایی دانش‌پژوهان مسایل سیاسی و نظامی بین‌الملل با رویکردی مهم در جعبه ابزار نظریه‌های روابط بین‌الملل اثری مناسب است. دیدگاه سکولار و مبتنی بر قدرت در پایه ریزی نظریه واقع‌گرایی تهاجمی نکته برجسته‌ای است که در تمامی صفحات کتاب به چشم می‌خورد. امری که با سیاست‌ورزی در نگاه اسلامی منافات ارزشی و اعتقادی دارد. در بحث

نظریه‌پردازی در روابط بین‌الملل و سیاست خارجی دو حوزه تاریخ، مطالعات فلسفی و روشی در کنار یکدیگر می‌توانند به شکل‌گیری نظریه‌های بومی-اسلامی روابط بین‌الملل و سیاست خارجی کمک کنند. در سالهای اخیر در زمینه تولید متون و ادبیات مرتبط با کاربست دیدگاه‌های بومی و اسلامی در روابط بین‌الملل و سیاست خارجی تلاش‌هایی صورت گرفته است. از جمله این موارد طرح بحث نظریه اسلامی سیاست خارجی و نظریه اسلامی روابط بین‌الملل که در سطح کلان و طرح مبانی نظری ارائه شده‌اند. دهقانی فیروزآبادی در یکی از مقالات خود چنین می‌نویسد نظریه اسلامی روابط بین‌الملل را باید بر اساس آموزه‌های اسلامی، احکام، قواعد و قوانینی که اسلام به اقتضای هدایت و سعادت انسان درباره هستی، جهان و حیات طیبه فردی و اجتماعی او بیان داشته است تدوین و تاسیس کرد. این نظریه از طریق ابتدا بر آموزه‌ها و تعالیم اساسی اسلام به عنوان پیش‌فرض‌های نظری آن تکوین می‌یابد. به گونه‌ای که نظریه‌پرداز بر مبنای پیش‌فرض‌های الهام گرفته شده و برخاسته از آموزه‌های اسلامی به تدوین فرضیه‌هایی در زمینه روابط بین‌الملل می‌پردازد. این فرضیه‌ها گرچه در مقام کشف برگرفته از آموزه‌های اسلامی است ولی در مقام داوری برای اعتباریابی باید از طریق آزمون‌پذیری تجربی به وسیله شواهد تجربی تایید شوند. (همان: ۱۲۴)

به باور دهقانی فیروزآبادی نظریه اسلامی روابط بین‌الملل یک فراروایت یا نظریه کلان است که درصدد تبیین و تفهیم چرایی و چیستی نظم و روابط بین‌الملل از یک سو و چگونگی تکوین و تغییر آن از سوی دیگر است. از این رو نظریه‌ای نظام مند است که ماهیتی تبیینی، هنجاری، تکوینی و انتقادی دارد. این نظریه یک فراروایت است. چون عام و جهان شمول بوده و در پی تبیین و تفسیر کلیت روابط بین‌الملل و نظم بین‌المللی است. نظریه اسلامی روابط بین‌الملل نظام مند است زیرا برخلاف نظریه سطح واحد به چگونگی تعامل واحدهای سیاسی متعامل یا تاثیر نظام بین‌الملل بر آنها نمی‌پردازد بلکه مفهومی از نظم جهانی را ارائه می‌دهد. (همان: ۱۳۱) تلاش‌هایی از این دست هر چند در سطح کلیات و مبانی نظریه‌پردازی انجام می‌شوند اما می‌توانند بسترساز نظریه‌پردازی بومی-اسلامی باشند. عبور از کلان‌گویی‌های نظری و حرکت به سمت جزئی‌نگری نظری و بیان دقیق ظرافت‌های تبیینی و تفسیری نظریه اسلامی روابط بین‌الملل می‌تواند قدم بعدی در حوزه نظریه‌پردازی در عرصه روابط بین‌الملل باشد. کتاب تراژدی سیاست قدرت‌های بزرگ می‌تواند الگویی نظری-تاریخی موفق برای محققان حوزه نظریه‌پردازی بومی-اسلامی در

داخل کشورمان باشد. از این جهت که اثر فوق نمونه‌ی مهمی از ترکیب نظریه و مطالعات تاریخی با رویکردی تجربیه گرایانه و بین قاره‌ای و کلان است. واقع‌گرایی تهاجمی تا حدود زیادی توانسته است جنگ‌های بعد از انقلاب فرانسه و دو جنگ جهانی اول و دوم و دخالت‌های امریکا در تحولات امنیتی اروپا در دوره‌های مورد اشاره را به خوبی توضیح دهد. حفظ و بسط نگاه تجربی مرشایمر در کنار استفاده از رویکردهای تفسیری و انتقادی با توجه به اصول و مبانی ملی و مذهبی می‌تواند مجموعه‌ای از ایده‌های نو و جذاب را برای نظریه‌پردازی بومی - اسلامی فراهم آورد.

به نظر می‌رسد مهمترین راهکار برای حضور نظری موفق در منظومه نظریه‌های روابط بین‌الملل حضور مبدعانه در عرصه نظریه‌پردازی با توجه به مقتضیات تاریخی کشورمان باشد. این مهم در سپیده دمان باور به تعامل نظریه و عمل و اثرگذاری نظریه بر رفتار سیاست خارجی و فهم نقادانه و منصفانه قواعد حاکم بر نظام بین‌الملل صورت می‌پذیرد. لذا ترغیب و حمایت مالی - علمی از طرح‌های پژوهشی اثباتی، تفسیری و انتقادی در مقطع دکترا، ترجمه دقیق متون تخصصی جهانی و نقد آنها با استفاده از رویکرد اسلامی و بومی در طراحی‌های میان‌مدت و بلندمدت توسط دانشگاه‌ها و موسسات پژوهشی تخصص محور می‌تواند بسترهای مناسب را برای نظریه‌پردازی در عرصه روابط بین‌الملل فراهم سازد.

۶. نتیجه‌گیری

نظریه واقع‌گرایی تهاجمی محصول تلاش نظری و مطالعه تاریخ اروپا و جهان توسط جان مرشایمر در کتاب تراژدی سیاست قدرت‌های بزرگ است. این کتاب با توجه به مفروضات واقع‌گرایانه از جمله دولت محور بودن، انارشیک بودن نظام بین‌الملل و مادی بودن قدرت با رویکردی اثباتی نوشته شده است. تبیین علی جنگ‌ها بر مبنای تمایل همیشگی و طبیعی قدرت‌های بزرگ و دولت‌ها برای به حداکثر رساندن امنیت خود و هژمون منطقه‌ای و جهانی شدن ماحصل بحث‌های گسترده و حجیمی است که در کتاب مورد بحث جمع‌آوری و تدوین شده است.

نقدهای نظری، تاریخی، تجویزی و اسلامی به نظریه و کتاب مرشایمر را می‌توان در چند مورد خلاصه نمود. از جمله این موارد می‌توان به کاستی‌های مرتبط با محدودنگری مولفه‌های سازنده تعاملات بین‌دولتی و فرادولتی و به طور خاص در فضای پساجنگ سرد

و نادیده گرفتن ابزارهای دیگر اعمال قدرت مانند فرهنگ و اقتصاد و فناوری ارتباطات اشاره نمود. وجود رویکرد اسلامی به روابط بین‌الملل فرصت خوبی است برای نقد نظریه‌های غربی و تولید متون نظری بومی - اسلامی برای فهم دقیق تر تحولات بین‌المللی و مبنادهی به عمل سیاست خارجی در نظام بین‌الملل. این مهم از طریق حمایت مادی، علمی و دانشگاهی از توانایی‌های محققان داخلی برای نظریه پردازی در رشته روابط بین‌الملل امکان پذیر است. تعامل متقابل محققان داخلی با پژوهشگران سایر کشورها فرصتی را برای یادگیری بیشتر و افزایش ذخیره علمی نخبگان کشورمان فراهم می‌سازد. این امر در سایه باور به اهمیت نظریه در سیاست خارجی و فهم دقیق تر از روابط بین‌الملل و حمایت‌های بیشتر از محققان داخل صورت عینی به خود می‌گیرد.

کتابنامه

- دهقانی فیروزآبادی، جلال (۱۳۸۹). "چگونگی و چیستی نظریه اسلامی روابط بین‌الملل"، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال ۵، شماره ۲، بهار.
- سلیمی، حسین، (۱۳۸۴). "دولت مجازی یا واقع‌گرایی تهاجمی؛ بررسی مقایسه‌ای نظریه ریچارد روزکرانس و جان مرشایمر"، پژوهش حقوق و سیاست، شماره ۱۷.
- مرشایمر، جان جی، (۱۳۹۰). *تراژدی سیاست قدرت‌های بزرگ*، ترجمه: غلامعلی چگنی‌زاده، چاپ سوم، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- نای، جوزف، (۱۳۸۷). *قدرت در عصر اطلاعات: از واقع‌گرایی تا جهانی شدن*، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

- Buzan, Barry (2010). "China in international society: is peaceful rise possible?", *The Chinese Journal of international politics*, No.8.
- Elman, Colin (2004). "Extending offensive realism: The Louosianan purchase and American s rise to reginal hegemony", *American political science review*, Vol.4.
- Fravel, Teylor (2005). "Regime insecurity and international coopration, explaining china s compromise in territorial disputes", *International security*, No.29.
- Jayshree, Bojaria (2007). "The China-N.Korea relationship, Concil on foreign relations", access in: www.cfr.org
- Layne, Christopher (2006). *The peace of illusions: American grand strategy from 1940 to the present*, Columbia university press.
- Moko, Soedjet & Kenneth W. Thompson (1979). *Cultural Diplomacy in world politics*, Newyork: free press.
- Rosecrance, Richard (1996). "The rise of virtual state", *Foreign Affairs*, Aug, Vol.75.

Rosecrance, Richard (1999). *The rise of virtual state, wealth and power in coming century*, Newyork: Basic Books.

Rosecrance, Richard (2002). "War and Peace", *World Politics*, Vol. 55.

Schweller, Randall (2011). "Emerging powers in an age of disorder", *Global Governance*, Vol.17.